

ارتباط؛ ویژگی جامعه مدرن

❖ محمد کامران نصیری ارجنان

پژوهشگر و کارشناس علوم سیاسی

«ارتباط» از واژه‌هایی است که همواره در برخورد با رسانه‌های مختلف و متفاوت از قبیل رادیو، تلویزیون، مطبوعات، و این اواخر ماهواره و اینترنت می‌شنویم. صد البته زندگی اجتماعی آدمی، با «ارتباط» میسر شده است. این بدان معنی است که از آغاز حیات آدمی روی کره خاکی، این مفهوم، شکل عملی به خود گرفته است و آدمیان، با اشکال بدوی ارتباط، به همدیگر وصل می‌شدند و می‌توانستند مقاصد خود را به یکدیگر منتقل کنند.

ارتباط در نظام‌های اجتماعی کوچک و کلان مثل خانواده، مدرسه، اجتماعات روستایی، شهری، کشوری و بین‌المللی تأثیری شگرف دارد و سبب شکل‌گیری و یا تغییر شناخت‌ها، عقاید و رفتار آدمیان می‌شود.

این مسئله امروزه تا بدانجا رسیده است که «ارتباط» به‌عنوان یکی از وسایل اصلی دگرگونی‌های اجتماعی و سیاسی تبدیل شده است. امروزه در حرفه‌ها و مؤسسات بازرگانی و فرهنگی، فرایندهای ارتباطی اهمیت ویژه پیدا کرده‌اند؛ از جمله در روابط عمومی‌ها، آموزش و پرورش، بهداشت، مدیریت و ترویج کشاورزی و مشاغل فرهنگی بازرگانی و رسانه‌ها.

کلمه ارتباط، معادل واژه انگلیسی «Communication» است. در تعبیری ساده می‌توان گفت که ارتباط، فرایند تبادل پیام میان فرستنده و گیرنده است، به گونه‌ای که مقاصد موردنظر منتقل شود.

نکته مهمی که در مقوله ارتباط وجود دارد آن است که صرف کوشش هر یک از دو طرف برای ارسال پیام کافی نیست، بلکه در عمل هم این امر باید تحقق یابد. این امر هم در صورتی تحقق می‌یابد که دو طرف کاملاً و به‌درستی منظورهای یکدیگر را دریافته، با

یکدیگر اشتراک فکری پیدا کنند.

درباره ارتباط و معانی و پایه‌های آن، اندیشمندان بسیاری سخن گفته‌اند. شاید بتوان نخستین تعریف را درباره کلمه ارتباط، منسوب به ارسطو دانست. او معتقد است: «ارتباط یعنی جست‌وجو برای دست‌یافتن به کلیه وسایل و امکانات موجود برای ترغیب و اقناع دیگران.» یکی از صاحب‌نظران به نام «ویلیام شرام»

تعریفی شبیه به ارسطو ارائه داده است. او می‌گوید: «در فرایند ارتباط به‌طور کلی ما می‌خواهیم با گیرنده پیام خویش درباره مسئله‌ای معین، اشتراک فکر ایجاد کنیم.»

برخی صاحب‌نظران در تعریف ارتباط بر انتقال معنی در این فرایند تأکید دارند. از جمله رایت (Wright) می‌گوید: ارتباط، فرایند انتقال معنا

بین دو فرد است. دیوید برلو بر بازخورد و پاسخ تأکید می‌ورزد. او می‌گوید: ارتباط یعنی جست‌وجوی پاسخ‌گیرنده. برلسون و اشتاینر- دو تن دیگر از صاحب‌نظران- در تعریف خود بر ویژگی‌های پیام تأکید کرده‌اند: «انتقال اطلاعات، نظرات، انگیزه‌ها، مهارت‌ها و... از طریق استفاده از نماد، کلمات، تصاویر، اعداد و نمودارها و... ارتباط را شکل می‌دهند.»

ارتباط از منظر رسانه‌ها با دو شکل قابل دریافت است:

الف: ارتباط کلامی؛ که در آن پیام‌های در قالب رمزهای کلامی مثل اصوات، کلمه‌ها، جمله‌ها، عبارت‌ها-چه به صورت شفاهی و چه به شکل نوشتاری- منتقل می‌شوند.

ب: ارتباط غیر کلامی؛ که در آن از رمزهای غیر کلامی استفاده می‌شود.

در گذشته از علائمی مثل افروختن آتش بر فراز کوه‌ها استفاده می‌شد؛ اکنون زبان تصویر، موسیقی و علائم بدنی شکل‌های متفاوتی از

ارتباط غیر کلامی هستند. باید گفت که حتی ارتباط کلامی، اغلب حاوی عناصری از ارتباط غیر کلامی مانند صدا و تأکید بر کلمات خاص است. حتی به قولی در ارتباط رادیویی همه چیز جزء عناصر ارتباط به حساب می‌آید. آنچه از رادیو شنیده می‌شود اعم از گفتار و موسیقی و افکت و حتی سکوت اختیاری و غیراختیاری جزو متون رادیوست.

اجزای ارتباط

جریان‌های ارتباطی از عناصر و اجزای گوناگون تشکیل می‌شوند که از جمله مهم‌ترین آنها، موارد ذیل است:

- ۱- منبع، که منظور ارسال‌کننده پیام است.
- ۲- گیرنده
- ۳- پیام
- ۴- هدف
- ۵- رسانه
- ۶- شرایط
- ۷- موانع
- ۸- بازخورد، که عکس‌العمل گیرنده پیام در مقابل فرستنده است.
- ۹- تأثیر، که میزان دستیابی به اهداف موردنظر فرستنده در طول یا پایان جریان ارتباط است.

درباره فرایند ارتباط و چگونگی انجام آن میان صاحب‌نظران اختلاف‌هایی وجود دارد. آنها ادراک‌های خود را درباره این فرایند در قالب الگوها یا مدل‌ها بیان کرده‌اند. ارسطو یکی از کسانی است که اولین مدل‌ها را ارائه داده است. الگوی ارتباطی او، بسیار ساده و دربردارنده سه عنصر گوینده، گفتار و مخاطب است. الگوی دیگر از آن «هارولد لاسول» است. او در فرایند ارتباطی، شش عنصر را دخیل می‌داند: فرستنده، گیرنده، پیام، رسانه، شرایط و تأثیر.